

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>

موضوع الدرس: مراجعة دروس الصف السابع والثامن والتاسع: مرور درس‌های کلاس هفتم، هشتم و نهم.

مهم‌ترین موضوعاتی که در این قسمت بررسی می‌شود عبارتند از:

۱- انواع فعل در زبان عربی ۲- کاربرد اعداد شمارشی و ترتیبی

نکته بسیار مهم: فعل‌های زبان عربی مانند زبان فارسی در سه زمان گذشته (ماضی)، حال (مضارع) و مستقبل (آینده) و برای ۶ گروه از اشخاص به کار می‌رود. با توجه به اینکه از این به بعد، آزمون‌های تشریحی یا تستی به زبان عربی خواهد بود، ضروری است که شما دانش‌آموزان عزیز با معادل عربی هر یک از اشخاص در کاربرد فعل‌های عربی آشنا شوید و آنها را با دقت فرا بگیرید.

ساختارهای جمع		ساختارهای مفرد	
معادل فارسی	معادل عربی	معادل فارسی	معادل عربی
معادل فارسی	معادل عربی	معادل فارسی	معادل عربی
اول شخص مفرد	من: اول شخص مفرد	اول شخص جمع	ما: اول شخص جمع
دوم شخص مفرد	تو: دوم شخص مفرد	دوم شخص مثنی و جمع	ثما: دوم شخص مثنی و جمع
سوم شخص مفرد	او: سوم شخص مفرد	سوم شخص مثنی و جمع	آنها: سوم شخص مثنی و جمع

انواع فعل در زبان عربی:

فعل در زبان عربی بر اساس زمان به سه نوع تقسیم می‌شود: ۱- ماضی ۲- مضارع ۳- مستقبل ۴- امر ۵- نهي

۱- فعل ماضی (گذشته): بیانگر انجام کاری یا پدیدآمدن حالتی در زمان گذشته است. مثال:

انجام کار ← نَصَرَ: یاری کرد پدیدآمدن حالت ← شَجَع: شجاع شد

صیغه‌های مفرد		صیغه‌های جمع	
م: ت	نَصَرَ: کمک کردم	نَصَرْنَا: کمک کردیم	یم: نا
ی: ت - ت	نَصَرْتَ - نَصَرْتِ: کمک کردی	نَصَرْتُمْ - نَصَرْتُنَّ: کمک کردید	ید: ثما - ثُم - ثُنَّ
-: بدون ضمیر	نَصَرَ - نَصَرَتْ: کمک کرد	نَصَرُوا - نَصَرَتَا - نَصَرْنَا: کمک کردند	ند: ا - و - ن

انواع فعل ماضی:

فعل گذشته در زبان فارسی به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از: گذشته ساده - گذشته نقلی - گذشته استمراری - گذشته بعید. در زبان عربی چنین نامگذاری‌هایی برای فعل ماضی وجود ندارد، ولی ساختارهایی وجود دارد که معادل معنایی این زمان‌هاست.

۱- ماضی ساده: این فعل بیانگر کاری است در گذشته انجام شده و ارتباط آن با زمان حال قطع شده است: یاری کرد - نوشت..... این فعل در زبان عربی به این شکل به کار می‌رود:

(أ) ماضی ساده مثبت: ریشه فعل + ضمیر پیوسته یا پنهان.

مثال: نَصَرَ - كَتَبَتْ.....

(ب) ماضی ساده منفی: ما + فعل ماضی / لم + فعل مضارع.

مثال: ما نَصَرَ - ما كَتَبَتْ / لم يَنْصُرْ - لم تَكْتُبْ

● ترجمه درست را انتخاب کنید.

۱. أَنَا مَا رَجَعْتُ إِلَى بَيْتِي.

من به خانه‌ام باز نگشتم. من به خانه برگشتم.

۲. أَنْتَ فَعَلْتَ وَاجِبَاتِكَ.

تو تکالیف را انجام دادی. تو تکالیف را انجام می‌دهی.

۳. أَنْتِ غَسَلْتِ مَلَابِسَكَ.

تو لباس را شستی. تو لباس‌هایت را شستی.

۴. هُوَ لَعِبَ مَعَ صَدِيقِهِ.

او پیش دوستش بازی می‌کند. او همراه دوستش بازی کرد.

۲- ماضی نقلی: این فعل بیانگر کاری است در گذشته انجام شده و اثرش تاکنون نیز ادامه دارد: یاری کرده

است_ نوشته است - این فعل در زبان عربی به این شکل به کار می‌رود:

(أ) ماضی نقلی مثبت: قد + فعل ماضی

مثال: قد نَصَرَ - قد كَتَبَتْ.....

ب) ماضی نقلی منفی: لم + فعل مضارع

مثال: لم یَنْصُرْ - لم تَنْصُرْ

۳- ماضی استمراری: این فعل بیانگر کاری است در گذشته به صورت مداوم و مستمر انجام می‌شده است: یاری می‌کرد - می‌نوشت.....

این فعل در زبان عربی به این شکل به کار می‌رود:

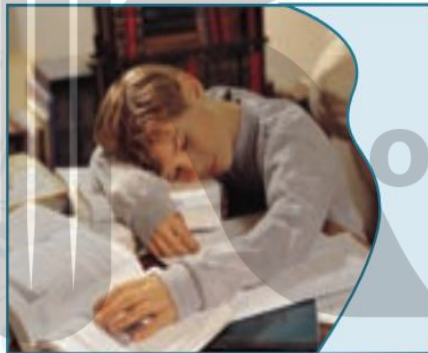
أ) ماضی استمراری مثبت: كَانَ + فعل مضارع.

مثال: كَانَ یَنْصُرْ - كُنْتَ تَكْتُبُ...

ب) ماضی استمراری منفی: ما + كَانَ + فعل مضارع / لم + مضارع كان + فعل مضارع

مثال: ما كَانَ یَنْصُرْ - ما كُنْتَ تَكْتُبُ / لم یَكُنْ یَنْصُرْ - لم تَكُنْ تَكْتُبُ...

● بخوانید و ترجمه کنید.



كَانَ الْعَمَالُ يَصْنَعُونَ بَيْتًا وَ هُمْ الْآنَ واقِفُونَ. كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَكْتُبُ واجِبَاتِهِ؛ فَأَخَذَهُ النَّوْمُ.

● جدول زیر را کامل کنید.

سَمِعَ	شنید	يَسْمَعُ	می‌شنود	كَانَ يَسْمَعُ	می‌شنید
أَنْقَذَ	نجات داد	يُنْقِذُ	كَانَ يُنْقِذُ
إِسْتَعْلَانَ	کار کردند	يَسْتَعْلَانِ	كَانُوا يَسْتَعْلَانِ
حَاوَلُوا	تلاش کردند	يُحَاوِلُونَ	كَانُوا يُحَاوِلُونَ
حَضَرَتَا	حاضر شدند	هُمَا تَحْضُرَانِ	كَانَتَا تَحْضُرَانِ
سَاعَدُوا	کمک کردند	يُسَاعِدُونَ	كَانُوا يُسَاعِدُونَ

۴- ماضی بعید: این فعل بیانگر کاری است در گذشته دور انجام شده است: یاری کرده بود - نوشته بودی...

این فعل در زبان عربی به این شکل به کار می‌رود:

(أ) ماضی بعید مثبت: كان + (قَدْ) + فعل ماضی

مثال: كان (قد) نَصَرَ - كُنْتُ (قد) نَصَرْتُ....

(ب) ماضی بعید منفی: ما + كان + (قَدْ) + فعل ماضی / لم + مضارع كان + فعل ماضی.

مثال: ما كان (قد) نَصَرَ - ما كُنْتُ (قد) نَصَرْتُ.... / لم يَكُنْ نَصَرَ - لم تَكُنْ تَنْصُرُ...

۲- فعل مضارع: فعلی است که بیانگر انجام کاری یا پدید آمدن حالتی در زمان حال یا آینده است.

انجام کار: يَنْصَرُ: یاری می‌کند (الان یا آینده) پدید آمدن حالت: يَشْجَعُ شجاع می‌شود (الان یا آینده)

علامت‌های فعل مضارع:

۱- حروف مضارعه (ت - ی - ن - ا) در ابتدای فعل: تَعْرِفُ - يَعْرِفُ - نَعْرِفُ - أَعْرِفُ

۲- حرکات ضمه، فتحه و ساکن یا حرف (ن) در انتهای فعل:

حرکات ضمه، فتحه و ساکن: تَعْرِفُ - لم يَعْرِفُ - لن نَعْرِفُ - لا أَعْرِفُ

حرف (ن): يَعْرِفَانِ - تَعْرِفَانِ - يَعْرِفُونَ - تَعْرِفُونَ - تَعْرِفِينَ

نکته ۱: نحوه کاربرد حروف مضارعه در ابتدای فعل مضارع:

ت	در فعل‌های متناسب با ضمائری که با لفظ «أنت» شروع می‌شود و برای ضمیر (هی - هما) مونث	أنتَ تعرف - أنتِ تعرفين أنتما تعرفان - أنتم تعرفون أنتنَّ تعرفن هي تعرف - هما تعرفان (مونث)
ي	در فعل‌های متناسب با ضمائری که با لفظ «هـ» شروع می‌شود (به غیر از ضمیر (هی - هما) مونث)	هو يعرف - هما يعرفان (مذکر) هم يعرفون - هن يعرفن
أ	در فعل متناسب با ضمیر «أنا»	أنا أعرف
ن	در فعل متناسب با ضمیر «نحن»	نحنُ نعرف

نکته ۲: نحوه کاربرد حرکت ضمه و فتحه و حرف (ن) در انتهای فعل مضارع:

ن	در فعل‌های دارای شناسه (۱ - و - ی)	مثال: هما تعرفان (مونث) - هما يعرفان (مذکر) - أنتما تعرفان - هم يعرفون - أنتم تعرفون - أنتِ تعرفين
حرکت ضمه، فتحه و ساکن	در فعل‌های بدون شناسه (۱ - و - ی)	مثال: هو يعرف - هي لن تعرف - أنا لا أعرف - نحن لم نعرف

● کدام فعل مناسب ضمیر داده شده است؟

۱. هُم : صَبَرْتُمْ عَبَرْتُنَّ عَرَفُوا عَلِمْنَا
۲. أَنْتُمْ : يَعِشُونَ تَطْلِمُونَ يَطْبُخْنَ تَضْحَكِينَ
۳. نَحْنُ : نَغْسِلُ يَغْفِرُونَ أَفْتَحُ تَفْتَحْنَ
۴. هُمَا : قَبِلْتُمَا قَرَّبْتِ قَدَرْنَا فَعَلْتَا
۵. هِيَ : تَكْتُمْنَ تَقْذِفُ يَكْذِبَانِ نَلْبَسُ

۳- فعل مُستقبل (آینده):

فعل مستقبل بیانگر انجام کاری یا پدید آمدن حالتی است که به طور ویژه به زمان آینده اختصاص دارد. این فعل در واقع یک فعل مضارع است که با افزودن (س: آینده نزدیک - سوف: آینده دور) به ابتدای آن به زمان آینده مرتبط می‌شود. مثال:

أنا سأُتصل بك في الساعة التاسعة قريباً: من به زودی، ساعت نه با تو تماس خواهم گرفت. (آینده نزدیک)

أنا سوف أتصل بك في الأسبوع القادم: من در هفته آینده با تو تماس خواهم گرفت. (آینده دور)

۴- فعل امر

فعلی است که بوسیله آن به شخص یا اشخاصی دستور می‌دهیم که کاری را انجام دهد. از آنجا که دستور انجام کار به شخص یا اشخاصی داده می‌شود که در حضور ما هستند، به همین علت، فعل امر از فعل‌های مضارع دوم شخص (مفرد و جمع) ساخته می‌شود.

روش ساختن فعل امر:

۱- در ابتدا حرف مضارعه (ت) را از ابتدای فعل مضارع حذف می‌کنیم. اگر بعد از این حذف، یک حرف دارای حرکت ساکن (ـَ) باقی بماند، حتماً از یک (همزه امر) برای کاربرد این فعل استفاده می‌کنیم؛ زیرا ابتدای به ساکن ممکن نیست. مثال:

تَجَلَّسُ ← إجلس ← تَذْهَبُ ← اذهب

اگر حرف دوم فعل (فتحه یا کسره) داشته باشد، همزه امر کسره و اگر (ضمه) داشته باشد، ضمه می‌گیرد. مثال:

تَذْهَبُ ← إذهب تَجَلَّسُ ← إجلس تَنْصُرُ ← أنصر

۲- آخر فعل امر نیز به این شکل تغییر می‌کند:

ضمه (ـُ) ← ساکن (ـَ): تَكْتُبُ ← تُكْتُبُ

(ن) ← حذف می‌گردد {به غیر از ضمیر جمع مونث}:

تَرْجِعَانِ ← إرجعا تَرْجِعُونَ ← إرجعوا تَرْجِعِينَ ← إرجعي تَخْرُجْنَ ← أخرجن

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



یا أَصْدِقَائِي، رَجَاءً، أَخْرُجُوا مِنَ الصَّفِّ. یا صَدِيقَاتِي، رَجَاءً، أَخْرُجْنَ مِنَ الْمَكْتَبَةِ.

● آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ القصص ۱۶

۲. قَالَ اللَّهُ لِمُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ﴾ طه ۴۳

۳. ﴿رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ المؤمنون ۱۱۸

۵- فعل نهي: فعلی است که بوسیله آن به شخص یا اشخاصی دستور می‌دهیم که کاری را انجام ندهد. از آنجا که دستور انجام کار به شخص یا اشخاصی داده می‌شود که در حضور ما هستند، این فعل نیز همانند فعل امر از فعل‌های مضارع دوم شخص (مفرد و جمع) ساخته می‌شود.

روش ساختن فعل نهي:

۱- حرف (لا) نهي را در ابتدای فعل مضارع قرار می‌دهیم.

۲- انتهای فعل نهي را همانند فعل امر تغییر می‌دهیم.

ضمه (ـُ) ← ساکن (ـِ): تَكْتُبُ ← لا تَكْتُبُ

(ن) ← حذف می‌گردد {به غیر از ضمیر جمع مونث}:

تَرْجِعَانِ ← لا تَرْجِعَا ← لا تَرْجِعُونَ ← لا تَرْجِعُوا ← لا تَرْجِعِينَ ← لا تَرْجِعِي ← لا تَخْرُجَنَّ ← لا تَخْرُجْنَ

أجِبْ عن الأسئلة التالية:

۱- «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برای (دنیایت □ دنیا □) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می‌کنی □ لذت می‌بری □) و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می‌میری □ نزدیک است بمیری □).

۲- «أَنْظُرُ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قَالَ.» أمير المؤمنين علي عليه السلام

به آنچه گفته است (بنگر □ می‌نگرم □) و به آن که گفته است (ننگر □ نمی‌نگرم □).

۳- ﴿... لا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ...﴾ يوسف : ٦٧

۴- أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۵- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدْوِكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

اعداد اصلی و ترتیبی

اعداد در همه زبان‌ها کاربرد دارد و از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. آنچه بوسیله این اعداد شمارش می‌شود معدود نام دارد. زبان عربی نیز از این موضوع مستثنی نیست و با ظرافت و دقت خاصی به این موضوع پرداخته است. اعداد در زبان عربی با توجه به کاربردشان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- اعداد اصلی: برای شمارش موارد مختلف (انسان، حیوان و اشیاء) مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲- اعداد ترتیبی: برای بیان ترتیب موارد مختلف (انسان، حیوان و اشیاء) به کار می‌روند.

الف) اعداد اصلی: این عدد به دو شکل مذکر (بدون ة) و مونث (غالبا با ة) تقسیم می‌شوند. در مقطع متوسطه اول با این اعداد آشنا شدید:

عدد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
مذکر	واحد	إثنان ^۲	ثلاث	أربع	خمس	ستّ	سبع	ثماني	تسع	عشر	أحد عشر	إثنا عشر ^۳
مونث	واحدة	إثنتان	ثلاثة	أربعة	خمسة	ستّة	سبعة	ثمانية	تسعة	عشرة	إحدى عشرة ^۴	إثنتا عشرة
ترجمه	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	دوازده

نکته: عدد ۱ و ۲ اصلی بر خلاف سایر اعداد اصلی، پس از معدود به کار می‌روند. مثال: إشتریت کتابین اثنین: دو کتاب خریدم.

- گزینه صحیح را انتخاب کنید:

۱. كَمْ أُسْبُوعًا فِي الشَّهْرِ؟
 عَشْرَةٌ أَرْبَعَةٌ
۲. كَمْ صَفًّا فِي الْمَرْحَلَةِ الْإِبْتِدَائِيَّةِ؟
 سِتَّةٌ اِثْنَانِ

ب) اعداد ترتیبی: این اعداد همیشه بعد از معدودشان به کار می‌روند. اعداد ترتیبی ۱ تا ۱۲ به این شکل است:

عدد	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم
مذکر	أول	ثاني	ثالث	رابع	خامس	سادس	سابع	ثامن	تاسع	عاشر	حادي عشر	ثاني عشر
مونث	أولى	ثانية	ثالث	رابعة	خامسة	سادسة	سابعة	ثامنة	تاسعة	عاشرة	حادية عشر	ثانية عشر

موارد کاربرد اعداد ترتیبی:

- ۱- ساعت خوانی: مثال: كم ساعة الآن؟ جواب: الخامسة تماماً
- ۲- آدرس دهی: مثال: أين بيئُ السيد كاظمي؟ جواب: البيت الخامس في هذا الشارع. (خانه پنجم در این خیابان)

۱- در زبان عربی به موضوع مذکر و مونث بودن عدد و معدود توجه می‌شود.

۲- عدد ۲ به عنوان یک کلمه منثی به دو شکل به کار می‌رود: اثنان - اثنان - اثنین - اثنین.

۳- جزء اول عدد ۱۲ عربی، عدد ۲ است و طبق قوانین این عدد نوشته می‌شود.

۴- جزء اول عدد ۱۱ در عربی بوسیله (ی) مونث می‌شود.

ساعت خوانی

ساعت خوانی در زبان عربی به یکی از این سه حالت خوانده می شود:

ساعت کامل: ساعت: ۵ ← الحامسة تماماً

ساعت + دقائق گذشته: ساعت: ۵:۱۵ ← الحامسة والرّبع

ساعت: ۵:۳۰ ← الحامسة والنصف

ساعت - دقائق مانده: ساعت: ۴:۴۵ ← الحامسة إلا ربعاً

ترجمه کنید.

..... الحَادِيَةَ عَشْرَةَ تَمَاماً : الْعَاشِرَةَ وَ الرَّبْعُ :

..... الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَاماً : الْوَاحِدَةَ وَ النِّصْفُ :



بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>